

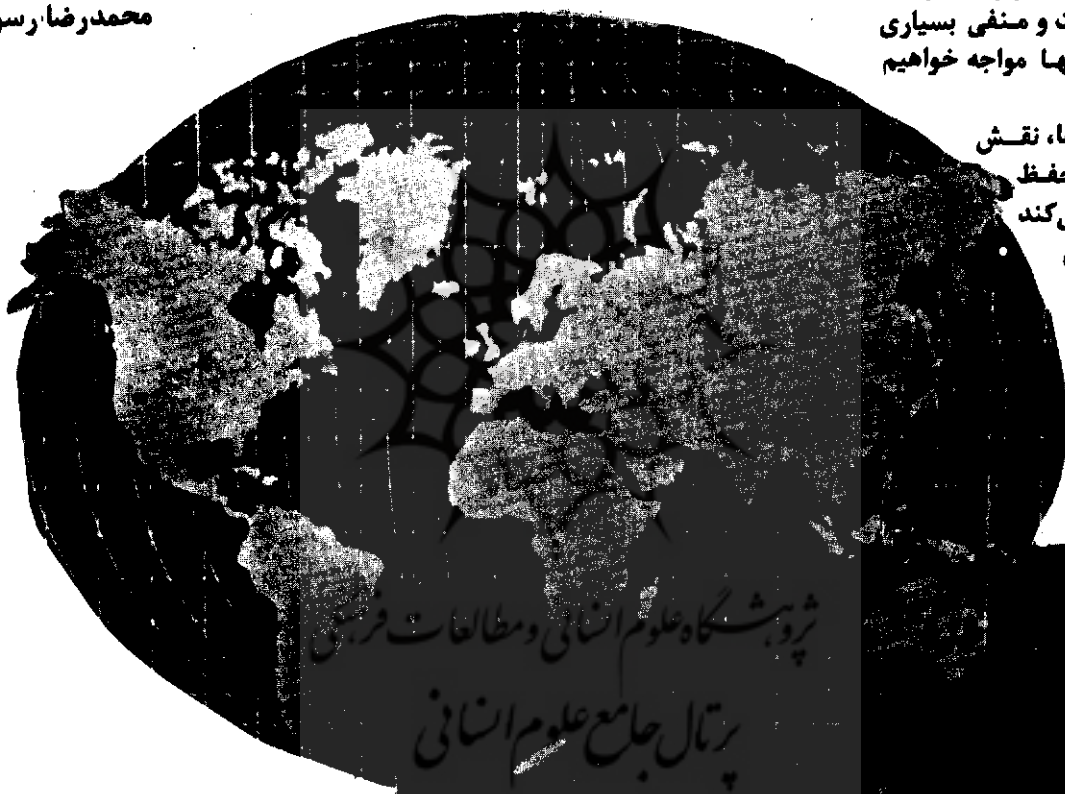
۱۹۹۲

عصر تلویزیون جهانی

محمد رضا رسولی

اکنون جهان در عصر ماهواره‌ها به سر می‌برد و به زودی امواج تلویزیونی مرزهای بین‌المللی را درهم خواهند شکست. بی‌شک پیشرفتهایی که در این زمینه پدید آمده است، پیامدهای مثبت و منفی بسیاری دارد و ما خواه ناخواه با آنها مواجه خواهیم شد.

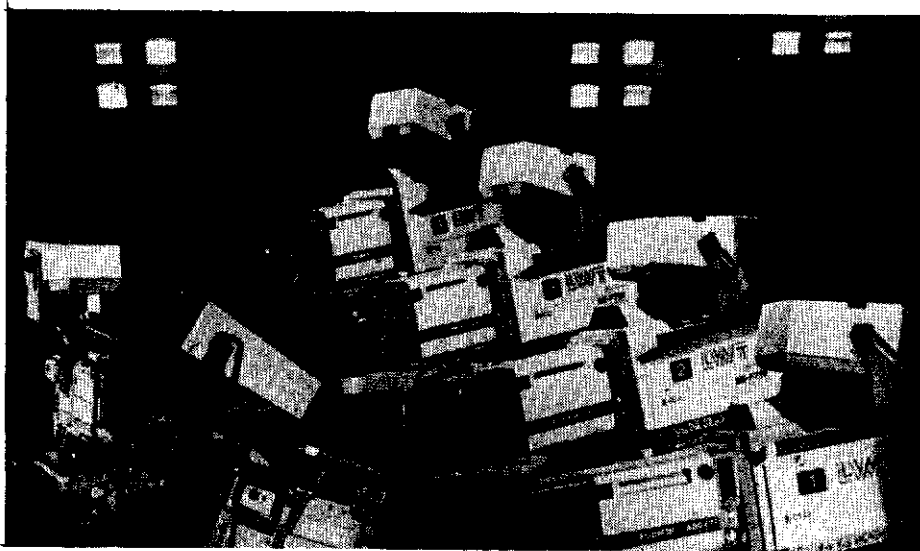
با توجه به این پیامدها، نقش تلویزیون و توان حفظ مخاطبانش اهمیت پیدا می‌کند. این بحث، موضوع این مقاله است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

● در جامعه ایرانی ما با مردمانی مواجهیم که اغلب به لحاظ نوع اشتغال از یک فراغت نسبی برخوردارند و تلویزیون نیز از اجزای لاینفک زندگی آنان است.





● ۱۹۹۲ عصر تلویزیون جهانی

نخستین ماهواره تقویت کننده امواج تلویزیونی، برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ با پرتاب ماهواره تله استار در مدار کره زمین قرار گرفت. این رویداد نشانه محسوسی از توسعه تکنولوژی و دستیابی بشر به قلمرو جدیدی از دانش بود که نوید گشایش دوره نوینی را در زندگی اجتماعی انسان می داد.

این مرحله جدید که حاصل پویایی اندیشه و فکر انسان قرن بیستم تلقی می شود شرایط تازمای از زندگی مشترک جامعه جهانی را در برابر او می گذارد که عصر تلویزیون جهانی «Mondovision» نام گرفته است.

بی شک این تعبیر اهمیت اصولی و همه جانبه وسایل ارتباط جمعی، بخصوص تلویزیون را در سرنوشت ملت های دنیا روشن می کند. به طوری که تصور جامعه جهانی مک لوهان Maclohan در دهکده های بزرگ^(۱) که مانند قبیله های واحد، زندگی مشترکی را پی می گیرند، هر روز نزدیکتر شده و دل نگرانیها و دوراندیشی هایی را از پس خود به همراه آورده است.

دل نگرانی های موجود که از بیم تسلط فرهنگ مادی و ارزش های جهانی غرب نشأت می گیرد، حاوی سوالاتی است نیازمند پاسخ، از آن جمله اینکه این واقعه چه اثراتی بر زندگی اجتماعی کشورهای جهان سوم که اغلب به لحاظ فرهنگی سنتی وابسته اند خواهد داشت؟ روابط انسانی، ارزشها، نگرشها و... چگونه خواهد بود و...

اگر فارغ از هر پیش فرضی و از یک دید واقع گرایانه به موضوع بنگریم، هر چند جهان آینده عرصه تاخت و تاز ماهواره ها باشد و تکنولوژی متقابل نتواند بر ورود امواج بیگانه به گیرنده های خانگی اثر کند، عصری که پیش روست دو چهره متضاد خواهد داشت. از یک طرف به واسطه تاثیر شگرف رسانه های لجام گسیخته و جهانی سازی صاحبان این وسایل با ارزش های دنیای صنعتی، به سرعت پیوندهای معنوی و فرهنگی گذشته مورد تهدید قرار خواهد گرفت که این خصوصیت برای انسان جهان سومی شکننده تر است. از سوی دیگر این ره آورد که حاصل پویایی اندیشه بشری است، درک وسیعی از دگرگونی های جامعه جهانی ایجاد کرده و انسان را در ارتباطی منطقی با

فرهنگ، تاریخ و دست آورده های نو و دگرگونی های فرهنگی حاصل از آن قرار می دهد.

تحت هر شرایطی، تصور اثر این تحول جدید و ناخواسته در جامعه آینده جهان سوم، مانند تمامی پدیده های وارداتی و تحمیلی دوجهبی خواهد بود که یک لبه آن درمان می کند و لبه دیگر برنده است. به طور مسلم، دیری نمی پاید که جامعه ما نیز در جریان امواج ماهواره ها، عصر تلویزیون جهانی را تجربه کند. در این میان توجه به نقش اساسی و تعیین کننده تلویزیون ما در مواجهه با سیر اطلاعات و برنامه های متنوع و دارای کشش آن سوی کره زمین قابل تأمل است!

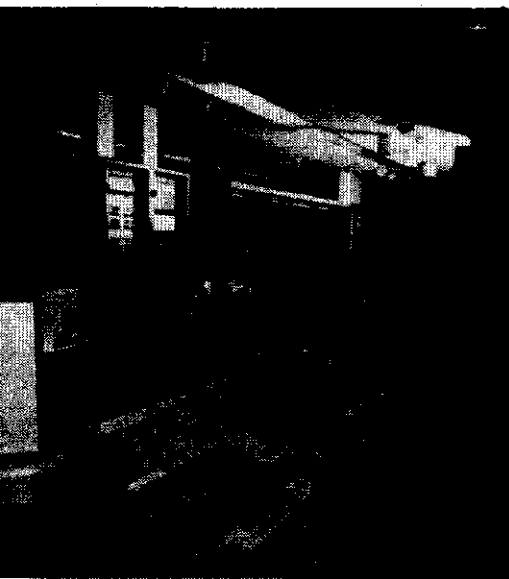
امروزه تلویزیون نه تنها به عنوان وسیله ای که از آن صرفا برای کسب خبر و آگاهی استفاده می شود، بلکه به عنوان یک وسیله راهبر بناید مورد توجه جدی و همه جانبه قرار گیرد. هر چند که توجه به نقش اساسی تلویزیون در دهه اخیر مورد نظر دولتمردان سیاسی بوده است، اما با ورود امواج تلویزیون جهانی، جامعه ما در شرایطی قرار می گیرد که برای درک و هضم صحیح آن نیاز به اتخاذ روشهای نو و تجدید نظر در شیوه های گذشته است.

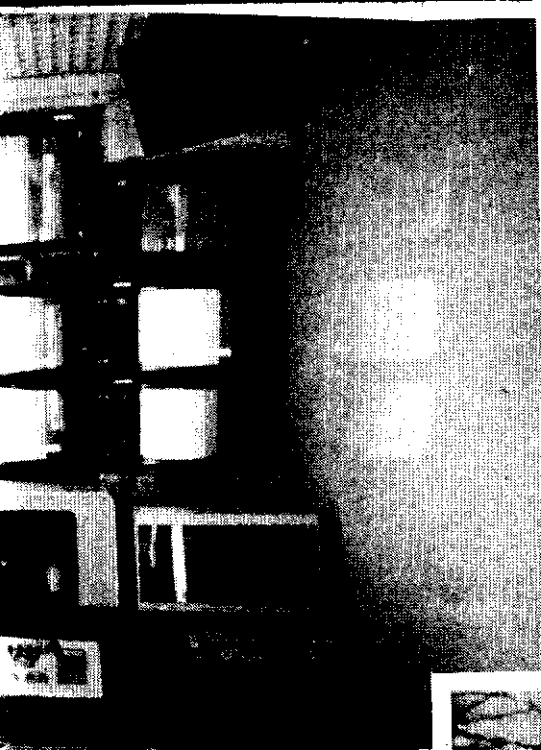
لذا در شرایط نوینی که از پی خواهد آمد، وظایف تلویزیون در ابعاد متفاوتش دوچندان خواهد بود، چرا که مقابله با سیل اخبار و اطلاعات و برنامه هایی که گاه در تقابل ارزشی با فرهنگ ما قرار دارد، توانی بیش از این می طلبد. در این راستا اتخاذ سیاستهایی چون روشنگری وضع موجود و آینده ای که پیش روست، همراه با ایجاد آگاهی های همه جانبه در این زمینه می تواند به عنوان اولین قدم محسوب شود. در این خصوص توجه به ویژگی های جامعه ایرانی، تصویری از وضعیت حال و آینده را پیش رو می گذارد، چرا که ما با مردمانی مواجهیم که اغلب به لحاظ نوع اشتغال از یک فراغت نسبی برخوردارند و تلویزیون نیز از اجزای لاینفک زندگی آنان است. از سوی دیگر حدود نیمی از

این پیکره اجتماعی، محروم از حداقل سواد لازمند که خود شرایط ویژه ای را پدید می آورد. بدین لحاظ تصور ورود برنامه های غرب به جامعه ای که اغلب مردمانش اوقات خود را در خانه می گذرانند و سرگرمی خاصی ندارند چه خواهد بود؟

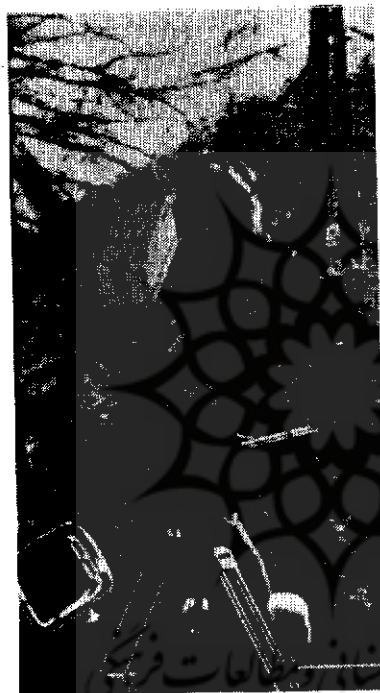
نگاهی به عملکرد تلویزیون نشان می دهد که جهت گیری تلویزیون در پخش برنامه ها، گرایش بیشتری به برنامه های آموزشی - خبری صرف داشته است چنان که از میزان پخش برنامه ها در سال ۶۸ پیداست، از مجموع برنامه های پخش شده ۴۵ درصد آنها در رابطه با خبر و آموزش بوده، اما در مقابل برنامه های سرگرمی و تفریحی صرفا ۲۶ درصد کل برنامه ها را دربر می گیرد و مابقی آن برابر ۳۹ درصد در قالب برنامه های ارشادی و تربیتی بوده است.

بی آنکه وارد ریز فضای شویم و محتوای برنامه های پخش شده را مورد ارزیابی قرار دهیم و ببینیم که آیا برنامه هایی که تحت عنوان آموزشی تهیه و پخش شده تا چه حد مطالب





● در سالهای
اخیر،
تلویزیون در
بخش برنامه‌ها،
گرایش بیشتری به
برنامه‌های
آموزشی-خبری
صرف داشته است.



آموزشی مورد نیاز جامعه ما را تامین کرده و یا اصولاً این برنامه‌ها تا چه حد اهداف خود را در جامعه قرار گرفته که خود قابل تحقیق و تفحص است، این نکته نیز باید از نظر دور افتد که آیا تأکید صرف به مسایل آموزشی آن هم در قالب برنامه‌هایی اغلب کلیشهای، باید ما را از پرداختن به دیگر وظایف باز دارد و سهم کمی هم برای آن قایل نشویم؟

واقعیت امر آن است که تلویزیون در جامعه امروز همانند سایر وسامات تباطو جمعی، به لحاظ نقش فراگیر و برد عمیقی که داراست وظایف متمایز و متعددی را عهده‌دار است که بخش برنامه‌های آموزشی یکی از آنان است. این وظایف که از نیازهای انسانی منبث می‌شود، راهبران تلویزیون را ملزم می‌کند تا به نیازهای خبری، آموزشی، تفریحی و... چندین میلیون نفر که هر شب با چرخاندن پیچ تلویزیون، انتظار دیدن برنامه مورد علاقه خود را دارند، آن گونه که شایسته است پاسخ گویند.

از این دید کارشناسان وسایل ارتباط جمعی عقیده دارند رسانه‌ای در کار خود موفق خواهد بود که بتواند نظرات اغلب افراد جامعه را به خود جلب کند، در غیر این صورت ارائه هر برنامه مفیدی نیز خالی از بیننده خواهد بود و این میسر نخواهد شد مگر با اتخاذ سیاستی واقع بینانه در مسیری که بتواند با ارضای نیازهای متعدد روحی و روانی به ارتقای فرهنگی دست بیازد.

بی‌شک تلویزیونی که در ابعاد چندگانه وظایف خود، نتواند عملکرد مناسبی داشته باشد و در یک یا دو جنبه خاص خبری یا آموزشی متوقف شود، زمینه دفع مخاطبان و محدود شدن جامعه مورد خطاب خود را فراهم می‌کند. از سوی دیگر تجربه‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که به موازات تکنها و نبود برنامه مناسب برای پر کردن اوقات فراغت، میزان گرایش به صرف وقت از طرق دیگری چون شب نشینی‌ها، استفاده از ویدئو به طور دسته جمعی و... خاصه در گروه سنی جوان

ویژگیهای فرهنگی جامعه ایرانی که ریشه در سنت و مذهب دارد و پذیرای آن فرهنگ برهنه نیست، می‌تواند مورد توجه جدی قرار گیرد و با ایجاد بینشی صحیح و عمیق، به تقویت ابعاد مثبت آن پرداخت.

بدین ترتیب این کار مهم که نیازمند به کارگیری افکار کارشناسانه است، برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی را در همه ابعاد می‌طلبد. واقع امر آن است که وقتی ابزار نقد و شناخت یک برنامه مطلوب و مفید به دست افراد جامعه داده شود، آن گاه می‌توان انتظار داشت که اثرات

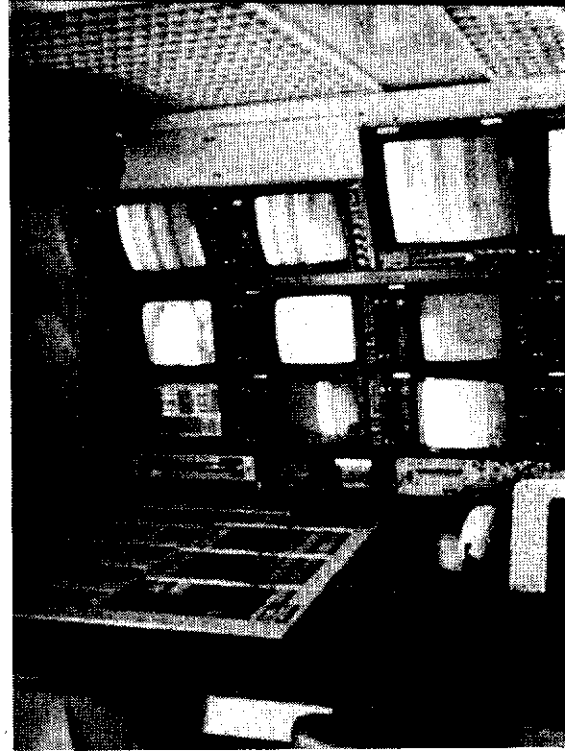
ورود هر گونه ارزش نامطلوب و یا ضد ارزش خنثی و بی‌تاثیر باشد. و این مهم به دست نمی‌آید مگر با ایجاد فضای مناسب برای انجام یک کار فرهنگی غنی از طریق تقویت برنامه‌های مطلوب. بدین منظور با ذکر برخی پارامترها و نکاتی که در سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزی برای تامین برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند مورد توجه

افزایش می‌یابد. واقعیت آن است که هر اجتماعی به تبع نیازهای انسانی، برای گذران اوقات فراغت خود نیازمند وسایل و برنامه‌های تفریحی و سرگرمی است. در واقع گذران اوقات فراغت بعد از ساعتها کار و خستگی در پیچ و خم جامعه امروز، امری معقول و طبیعی است. در این میان اگر تلویزیون نتواند وظیفه خود را در قبال این نیاز به خوبی ادا نماید، بی‌شک گرایش به گذران اوقات فراغت به شیوه‌های ناصحیح آن بدیهی خواهد بود.

تجربه استفاده از برنامه‌های تلویزیونی کشورهای آن سوی خلیج فارس به وسیله حاشیه نشینان نوار ساحلی جنوب کشور که از نصب بوسکتهای تقویت کننده امواج به آنتن‌های روی بام ناگفته پیداست، نشان می‌دهد تحت هر شرایطی استفاده از برنامه‌های «تلویزیون جهانی» توسط گیرنده‌های خانگی گریز ناپذیر است. اما با تمام این اصول تامل در

● تلویزیونی که در ابعاد چندگانه وظایف خود نتواند عملکرد مناسبی داشته باشد، زمینه دفع مخاطبان محدود شدن جامعه مورد خطاب خود را فراهم می‌کند.

● باید به همه گروههای سنی مخصوصاً جوانان، راه و رسم شناخت یک فیلم خوب آموزش داده شود.



دست اندر کاران قرار گیرد، سخن را به پایان می‌رسانیم.

الف) باید به همه گروههای سنی مخصوصاً جوانان، راه و رسم شناخت یک فیلم خوب آموزش داده شود.

ب) با تاکید بیش از پیش بر ورزش و برنامههای ورزشی می‌توان بخش اعظم توان جوانان را در این جهت سوق و پرورش داد.

ج) توجه بیش از پیش به موسیقیهای محلی و سنتی و تدوین برنامههایی برای شناخت آن در تمام سطوح جامعه.

د) توجه به ارزیابی‌های به عمل آمده از برنامهها و دادن بهای بیشتر به نظرات مردم در ایجاد برنامههای متنوع.

ه) استفاده از برنامههای خارجی مناسبی که به لحاظ فرهنگی با جامعه ما همسویی دارد.

و) تلویزیون می‌تواند استانداردهایی از ادب، هنر و رسوم جدید و سنتهای گذشته را شکل داده و با تکیه بر ارزشهای فرهنگی و ملی، روابط گروههای مختلف جامعه را با هم تنظیم کند.

ز) تلویزیون می‌تواند جدیدترین پیشرفتهای بشری را از طریق برنامههای قابل جذب برای تشویق مردم ارائه دهد.

پانوش

۱) مکلوهان دانشمند معروف کانادایی و استاد دانشگاه تورنتو در کتاب معروف خود به نام جنگ و صلح در دهکده جهانی ۱۹۸۶ War and peace in the global village عصر آینده را عصری می‌داند که تلویزیون با استفاده از ماهوارهها به واسطه ایجاد ارتباط و نمایش رویدادهای جهانی، کره زمین را به صورت یک «دهکده جهانی» درآورده و گروه وسیع جهانیان در این دهکده بزرگ خود را دنبال می‌کنند.

